

گزارش علمی

بررسی پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکترا

۱۳۴۰-۱۳۷۶

دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

تقی آزاد ارمکی - طاهره خزاعی - مهناز زند - فرشته خرسندیار

مقدمه

به نظر می‌رسد به رغم تحولات و دگرگونی‌های علوم اجتماعی، به عنوان رشته علمی مستقل، در چند دهه گذشته، تحقق انتظارات جامعه از کارایی و کاربردهای رو به رشد این دانش، در مقایسه با جایگاه بسیار پویا و کارآمد آن در سایر کشورها، در آینده‌ای دور امکان‌پذیر است.

کتابها، آثار علمی و پژوهشهای فراوان، ایجاد دوره‌های تحصیلی مختلف جهت تدریس گرایشها و شاخه‌های آن در دانشگاهها، از دستاوردهای علوم اجتماعی در ایران، پس از مستقل شدن از سایر رشته‌های علوم انسانی است. در عین حال هنوز این رشته منزلت و جایگاه خود را در محافل علمی، اجتماعی، بخصوص نهادهای رسمی حکومتی، نیافته است. در تمامی عرصه‌ها و حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی جامعه ما، نیازهای گوناگونی وجود دارد و بحثهایی مطرح می‌شود که جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی می‌تواند پاسخگوی آن باشد. با این همه هنوز علوم اجتماعی نتوانسته است نقش فعال و گره‌گشایی را، که درخور تواناییها و ظرفیتهای آن است، ایفا نماید. هر چند در سالهای اخیر فعالیتهای این رشته در حوزه‌های علمی، دانشگاهی گسترش بیشتری یافته ولی برای آگاهی از مشکلات و نارساییهای حاکم بر این عرصه، مرور و ارزیابی جامعه‌شناسی در ایران، در زمینه‌های مختلف (تدریس و تحقیق) ضروری است.

نخستین پایگاه علوم اجتماعی را در ایران در کلاسهای درس دانشکده ادبیات و مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در دهه ۱۳۳۰ باید جستجو کرد و با تشکیل دانشکده علوم

اجتماعی این رشته رسمیت یافت. طرحها و گزارشها، مقاله‌ها، جزوه‌های درسی و پایان‌نامه‌های بسیاری که در حوزه‌های مختلف این رشته تهیه و تدوین شده حاصل و دستاورد فعالیت این حوزه علمی در ایران است. از آنجا که پایان‌نامه‌های درسی بازتاب آموخته‌ها و آموختنی‌ها و جریانهای فکری و ذهنی رایج است، مطالعه و بررسی آنها می‌تواند خط مشی و جهت‌های فکری و روش‌های حاکم بر رشته‌های علمی تحصیلی را نمایان کند، به همین دلیل مطالعه پایان‌نامه‌های تحصیلی فارغ‌التحصیلان این رشته در ایران به عنوان یکی از مهمترین ابزار ارزیابی انتخاب شد.

ضرورت پرداختن به موضوع و مسأله اساسی

ضرورت پرداختن به پایان‌نامه‌ها آشنایی با شیوه‌های رایج تحقیقات در حوزه‌های مختلف مسائل اجتماعی ایران و همچنین شناخت موضوعات، اهداف، چارچوبهای نظری و متدولوژی آن است. در این طرح علاوه بر دست یافتن به موضوعات مورد مطالعه، متدولوژی به کارگرفته شده در آنها، جامعه و نمونه‌های آماری مورد مطالعه، یافته‌های تحقیقات و همچنین پیشنهادهای کاربردی و علمی آنها نیز استخراج و بررسی شده است.

هدف طرح

بررسی و تحلیل پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری در حوزه علوم اجتماعی هدف اصلی در این طرح است. در این فرآیند پژوهشی، موضوعات مطالعه شده دسته‌بندی، روشهای به کار گرفته شده بررسی، فرضیات به کار گرفته در رویکردهای نظری مختلف ارزیابی و یافته‌های این پایان‌نامه‌ها دسته‌بندی و تحلیل خواهد شد.

همچنین سعی می‌شود، چنانچه مقدور و میسر باشد، مدل‌های تحقیقاتی و نظری رایج به کاررفته در هر یک از حوزه‌های مسائل اجتماعی بررسی شده در این پایان‌نامه‌ها، که بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است، استخراج و معرفی شود. همچنین سعی خواهد شد تا پیشنهادها کاربردی در این پایان‌نامه‌ها نیز جمع‌آوری، تحلیل و ارائه شود. از هدفهای مهم این طرح نقد و تحلیل فرآیند پژوهشی این پایان‌نامه‌هاست. از هدفهای دیگر طرح ارائه راهبردهایی است برای حوزه تحصیلات تکمیلی و هدایت پایان‌نامه‌های دوره فوق‌لیسانس و دکتری در مسیرهای مورد نیاز، با مطالعه تمامی پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری در حوزه علوم اجتماعی که در

موضوعات و مسائل جامعه‌شناختی ایران انجام شده است و فراهم کردن مقدمات نخستین سنگ بنای جامعه‌شناسی ایران. این طرح را با همین هدف کارشناسان مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی انجام داده‌اند.

روش بررسی

این بررسی با روش اسنادی انجام و اطلاعات مورد نیاز بر اساس متن پایان‌نامه‌های تحصیلی مورد مطالعه جمع‌آوری شده است.

جامعه آماری

به منظور گردآوری اطلاعات مورد نیاز در این بررسی پایان‌نامه‌های موجود در کتابخانه دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی، به عنوان جامعه آماری، انتخاب شد. این مجموعه شامل ۵۵۹ پایان‌نامه است که در فاصله سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۵-۷۶ نگاشته شده‌اند.

واحد آماری

واحد آماری عبارت است از هر یک از پایان‌نامه‌های به ثبت رسیده و موجود در کتابخانه دانشکده علوم اجتماعی، در دوره کارشناسی ارشد و دکتری از آغاز تأسیس این رشته (۱۳۴۰) تا پایان سه ماهه اول سال ۱۳۷۶.

نمونه آماری

نمونه آماری عبارت است از پایان‌نامه‌های دوره کارشناسی ارشد و دکتری که در کتابخانه دانشکده علوم اجتماعی موجود بوده است. این نمونه‌ها شامل پایان‌نامه‌های مربوط به سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۶ می‌باشد. از آنجا که اطلاعات استخراج شده از این پایان‌نامه‌ها متعدد و مستلزم تورق کامل و مطالعه قسمتهای مختلف پایان‌نامه‌ها بوده و نیاز به صرف وقت زیادی داشته

است و گروه تحقیق از جهت نیروی انسانی و وقت دچار محدودیت بوده، لذا راهی جز انتخاب نمونه وجود نداشته است.

روش نمونه‌گیری

برای انتخاب نمونه‌های مورد مطالعه، ابتدا مشخصات پایان‌نامه‌های موجود در کتابخانه دانشکده علوم اجتماعی را که به ترتیب سال تدوین پایان‌نامه تنظیم شده بود، بررسی کردیم. از آنجا که روش کار کتابخانه فوق در حال تغییر از شکل ارائه خدمات فردی به رایانه‌ای بود و همچنین با توجه به جابه‌جایی و تغییر مکان و شکل ضبط و نگهداری پایان‌نامه‌ها براساس سال، در نتیجه برای تعیین نمونه‌ها ابتدا مشخصات پایان‌نامه‌ها به تفکیک سال و گرایش تحصیلی (جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، جمعیت‌شناسی و تعاون) تهیه شده و ۱۰ درصد پایان‌نامه‌های هر سال از هر رشته به عنوان نمونه محاسبه و از جمع آنها تعداد کل نمونه‌ها به دست آمد. از آنجا که نحوه عرضه پایان‌نامه‌ها در کتابخانه براساس سال بود و نمی‌شد پایان‌نامه‌های هر سال را به تفکیک رشته انتخاب کرد، در نتیجه ناچار به بازبینی مجدد مشخصات پایان‌نامه‌ها، و انتخاب نمونه غیرتصادفی در هر سال و به تفکیک رشته شدیم. روش نمونه‌گیری، در مرحله اول با روش طبقه‌بندی و در مرحله دوم با روش غیرتصادفی انتخاب شده است. جمع پایان‌نامه‌های فوق‌لیسانس در فاصله سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۶ (بهار)، ۵۵۵ جلد بود که ۶۰ تای آنها به عنوان نمونه انتخاب شدند. در دوره دکتری، در سالهای مورد نظر، ۴ پایان‌نامه تدوین شده بود که کل جامعه آماری را تشکیل می‌داد و ۱۰۰ درصد آن استخراج شد. بنابراین در این مقطع نمونه بر جامعه آماری منطبق است. مسئولیت اجرایی طرح و ارائه آن بر عهده آقای دکتر تقی آزاد ارمکی بوده و فرم مربوط به استخراج اطلاعات پایان‌نامه‌ها را خانم‌ها مهناز زند، طاهره خزاعی و فرشته خرسندیار و آقایان محسن صفابخش و مرتضی ادیبی تهیه کرده‌اند. مطالعه و بررسی و پرسشنامه جمع‌آوری اطلاعات و مراحل بعدی را خانم‌ها مهناز زند، طاهره خزاعی و فرشته خرسندیار انجام داده‌اند.

مشخصات کلی پایان‌نامه‌ها

پایان‌نامه‌های موجود در کتابخانه دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، در سالهای

۱۳۴۰ تا بهار ۱۳۷۶، در دوره کارشناسی ۲۱۰۵، و در دوره کارشناسی ارشد ۵۵۵ و در دوره دکتری ۴ جلد بوده است. از بین پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری به ترتیب ۶۰ پایان‌نامه بررسی شده است. برای بررسی آنها پرسشنامه‌ای در ۷ صفحه با ۶۰ سؤال باز و بسته تنظیم شد برخی از سؤالات به شکل جدولهای حاوی اطلاعات مختلف در زمینه‌های کیفی و کمی و چگونگی تدوین پایان‌نامه بود.

در بررسی پایان‌نامه‌ها تقریباً هیچ نوع گروه‌بندی در انتخاب استاد راهنما و مشاور مشاهده نشد. اکثر استادان راهنما و مشاور از اعضای هیأت علمی تمام وقت دانشکده علوم اجتماعی و درصد کمی از استادان خارج از دانشکده بودند.

از میان نمونه‌های مطالعه شده ۲۷ درصد پایان‌نامه دارای یک استاد راهنما بوده‌اند. ۴۰ درصد یک استاد راهنما و یک مشاور و ۳۰ درصد یک استاد راهنما با دو مشاور و ۳ درصد بقیه آنها با راهنمایی چهار استاد پایان‌نامه خود را به اتمام رسانیده‌اند.

صد درصد پایان‌نامه‌های مورد مطالعه در دوره دکتری متعلق به دانشجویان رشته جامعه‌شناسی بوده است. در مقطع کارشناسی ارشد ۵۸ درصد در رشته جامعه‌شناسی (علوم اجتماعی)، ۱۷ درصد جمعیت‌شناسی، ۱۲ درصد مردم‌شناسی، ۳/۲ درصد توسعه و رفاه و ۳/۲ درصد ادبیات و علوم انسانی، ۱/۶ درصد جغرافیای انسانی و ۵ درصد آنها بدون ذکر نام گرایش و رشته بوده‌اند.

توزیع فراوانی پایان‌نامه‌ها برحسب سال نگارش پایان‌نامه به تفکیک مقطع تحصیلی، نشان می‌دهد که صد در صد پایان‌نامه‌های دوره دکتری مورد مطالعه تجمع خاصی را در سال بخصوص نشان نمی‌دهد.

ماهیت و رویکرد رساله‌ها

۷۵ درصد پایان‌نامه‌های مورد مطالعه جنبه کاربردی - بنیادی داشته و ۲۵ درصد بقیه مطالعه‌ای بنیادی بوده است. آمار فوق نشان می‌دهد که در مجموع غالب دانشجویان در دوره فوق لیسانس به دنبال موضوعاتی که جنبه بنیادی دارد، نمی‌روند. فقدان یا کمبود منابع فارسی و لاتین، توانایی نداشتن در استفاده از منابع خارجی، دسترسی نداشتن به منابع و مآخذ فارسی و لاتین و تشویق و راهنمایی نکردن دانشجویان در انتخاب موضوعاتی که جنبه بنیادی دارد، از جمله دلایل است.

از این رو رویکرد اکثر پایان‌نامه‌های فوق از نوع تجربی و نظری تجربی و تمامی پایان‌نامه‌های هر دو مقطع مورد مطالعه تألیف بوده و در میان آنها ترجمه یا نقد کتاب مشاهده نشده است.

موضوع مورد نظر ۹۷ درصد پایان‌نامه‌های دوره کارشناسی ارشد مسائل مربوط به جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و جمعیت‌شناسی ایران و حوزه‌های مختلف آن بوده است. تنها ۳ درصد به مسائل عام و نظریه‌های جامعه‌شناختی پرداخته‌اند. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی توجه، علاقه و یا انگیزه‌ای نداشته‌اند تا به منابع علمی رو آورند و یا از متنهای خارجی مطلبی را برای تدوین پایان‌نامه ترجمه کنند.

توجه و علاقه به مباحث نظری (تئوریک) در پایان‌نامه‌ها، بعد از سال ۱۳۵۸ مشاهده شده و در سالهای قبل از آن استفاده از نظریه‌ها در تدوین پایان‌نامه‌ها مطرح نبوده است. توزیع فراوانی پایان‌نامه‌ها بر حسب استفاده از منابع مورد مراجعه در کاربرد تئوری‌ها و نظریه‌ها، حاکی از پراکندگی استفاده از بحثهای نظری جامعه‌شناسان معاصر و جریانهای فکری مختلف بوده است. به عبارت دیگر در هیچ یک از دوره‌های تحصیلی سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۶ توجه خاص به عقاید و نظریه‌های یک نظریه‌پرداز یا اندیشمند اجتماعی دیده نشده است.

استفاده از نظریه‌ها و تئوری‌های جامعه‌شناسان مختلف اروپایی و آمریکایی در نمونه‌های مورد مطالعه کاملاً مشهود است.

آمار نشان می‌دهد ۵۴ درصد پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد فاقد بحث نظری هستند. ولی در مقطع دکترا به طور مفصل بحثهای تئوریک طرح و از نظریه‌های متعدد نظریه‌پردازان، و روانشناسان، جامعه‌شناسان، در تحلیل مطالب، بهره‌برده شده است.

نظریه‌های ماکس وبر (۲۲ درصد از پایان‌نامه‌ها)، بیش از دیگران نقل شده و از دیگر نظریه‌پردازان ۱۴ درصد به آرای امیل دورکیم، و نظریه‌های مارکس و پارسونز هر یک ۱۱ درصد اختصاص داده شده است.

جز اینان در تدوین بحثهای نظری از نظریه‌های ۱۱۸ نظریه‌پرداز ایرانی، اروپایی و آمریکایی در حوزه‌های جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، جمعیت‌شناسی و روانشناسی اجتماعی استفاده شده است.

اغلب پایان‌نامه‌های متعلق به سالهای قبل از ۱۳۵۴ از شاخص رعایت چارچوب تدوین پایان‌نامه، از ۲۰ امتیاز (بالاترین نمره شاخص) نمره کمتر از ۵ گرفته‌اند.

این پایان‌نامه‌ها نزدیک به ۱۹ درصد کل پایان‌نامه‌های مورد مطالعه را تشکیل می‌دهند.

بالاترین درصد (۳۲/۲ درصد) متعلق به پایان‌نامه‌هایی است که امتیاز آنها ۱۳-۱۰ بوده است و ۲۳/۷ درصد امتیاز بالای ۱۷ داشته‌اند.

گروه تحقیق بر این عقیده‌اند که اگر چه شاخص فوق می‌تواند یکی از معیارهای مناسب برای سنجش میزان درستی یا نادرستی یادگیری دروس باشد، لیکن مطالعه و بررسی دقیق پایان‌نامه‌ها نشان می‌دهد که در بسیاری موارد، در تدوین پایان‌نامه‌ها، چارچوب متداول و علمی نگارش پایان‌نامه رعایت شده ولی در محتوای آنها مطالب ضعیف، نامفهوم، و گاهی نادرست راه‌یافته است.

در پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد که دارای فرضیه بوده‌اند، ۴۰ درصد متغیر علی خود را معرفی نکرده‌اند. و در مقطع دکترا نیز از ۵۰ درصد پایان‌نامه‌هایی که دارای فرضیه تحقیق بوده‌اند، هیچ کدام متغیر علی خود را معرفی نکرده‌اند. در اغلب پایان‌نامه‌ها تعریف مفاهیم ارائه نشده است و تنها ۲۵ درصد پایان‌نامه‌های دوره دکترا دارای تعریف مفاهیم بوده‌اند. در مقطع کارشناسی ارشد نیمی از پایان‌نامه‌ها فاقد تعریف مفاهیم و نیمی دیگر دارای تعریف مفاهیم و تنها ۱۵ درصد دارای تعاریف مفهومی و تعاریف عملی به تفکیک بوده‌اند.

روش مورد استفاده اکثر پایان‌نامه‌های دوره دکترا روش پیمایشی است؛ که گاهی همراه با روشهای دیگر بوده است. در مقطع کارشناسی ارشد نیز بیشتر روش پیمایشی به کار برده شده است.

به کارگیری آزمون مقدماتی پرسشنامه در اکثر پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد انجام نشده و تنها در ۸/۳ درصد آنها آزمون مقدماتی پرسشنامه اعمال شده است. در مقطع دکترا ۵۰ درصد پایان‌نامه‌ها قبل از تدوین نهایی پرسشنامه آزمون را انجام داده‌اند.

۴۸/۳ درصد نمونه‌های مورد مطالعه در دوره فوق لیسانس روش نمونه‌گیری نداشته‌اند. در دوره دکترا تمامی پایان‌نامه‌هایی که روش بررسی آنها پیمایشی بوده است، روش نمونه‌گیری خود را توضیح داده‌اند.

۵۰ درصد پایان‌نامه‌های مورد بررسی در دو مقطع تحصیلی در انتهای کار خود پیشنهادهایی ارائه کرده‌اند و نیمی دیگر فاقد توصیه و راه حل پیشنهادی در زمینه موضوع تحقیق خود بوده‌اند.

با اطمینان نمی‌توان گفت که دانشجویان موضوع مورد مطالعه خود را از جنبه‌های کمی و کیفی به خوبی شناخته و مورد بحث قرار داده باشند؛ لیکن رعایت چارچوب متعارف در تدوین پایان‌نامه‌ها به طور مشخص از سالهای ۱۳۷۱ به بعد به چشم می‌خورد.